

آتش و خون

جورج آر. آر. مارتین

ترجمه هادی امینی



چیرنجی

فهرست

۹	سخن ناشر
۱۳	فتح ایگون
۴۱	حکمرانی اژدها/ جنگ‌های شاه ایگون نخست
۵۷	سه اژدهادار/ حکومت شاه ایگون نخست
۶۹	پیران اژدها
۱۳۱	شاهزاده به شاه/ جانشینی ژیه‌ریس نخست
۱۴۹	سال سه عروس/ سال ۴۹ ب‌ف
۱۷۱	اقراط حاکمان
۲۰۵	زمان آزمون/ بازسازی مملکت
۲۲۵	تولد، مرگ و خیانت/ در دوران ژیه‌ریس نخست
۲۶۱	ژیه‌ریس و آلیسان/ تلخی‌ها و شیرینی‌ها
۳۱۱	فرمانروایی طولانی/ ژیه‌ریس و آلیسان: سیاست، دودمان و درد
۳۸۱	ولیعهدان اژدها/ موضوع جانشینی
۴۳۷	مرگ اژدهایان/ سیاه‌ها و سبزه‌ها
۴۶۱	مرگ اژدهایان/ پسر در ازای پسر
۴۷۹	مرگ اژدهایان/ اژدهای سرخ و اژدهای طلایی



فتح ایگون

استادان سیتادل^۱، که تاریخ وستروس را نگاه می‌دارند، فتح ایگون را مبدأ تاریخ سیصد سال گذشته قرار می‌دهند. تولدها، مرگ‌ها، نبردها و سایر رویدادها به شکل ب ف (بعد از فتح) یا ق ف (قبل از فتح) تاریخ‌گذاری می‌شوند.

تاریخ‌نگاران می‌دانند چنین مبنایی برای تاریخ‌نگاری دقت زیادی ندارد. ایگون تارگرین هفت پادشاهی را در یک روز فتح نکرد. بیش از دو سال بین ورود ایگون به وستروس و تاجگذاری در اولدتاون فاصله بود و در آن زمان هم این فتح کامل نبود؛ چون دوران همچنان تسلیم نشده بود. در تمام دوران فرمانروایی شاه ایگون و حتی تا فرمانروایی پسرانش تلاش‌های پراکنده‌ای برای الحاق مردم دورن به قلمرو ادامه داشت و تعیین یک تاریخ دقیق را برای پایان جنگ‌های فتح غیرممکن می‌ساخت.

حتی تاریخ شروع نیز به اشتباه تفسیر شده است. بسیاری به غلط تصور می‌کنند که فرمانروایی شاه ایگون تارگرین نخست در روزی شروع شد که او به دهانه رود خروشان آب‌سیاه، در فرودست سه تپه رسید؛ جایی که در نهایت شهر کینگز‌لندینگ بنا شد. این‌طور نیست. پادشاه و نوادگانش روز به تخت‌نشینی ایگون را جشن گرفتند، اما در حقیقت این فاتح تاریخ آغاز فرمانروایی‌اش را از روزی در نظر گرفت که تاجگذاری

^۱ Citadel: در لغت به معنای ارگ است و در این کتاب نام محل تعلیم و اقامت استادان، در اولدتاون، ارگی به نام سیتادل است. - م.

کرد و کاهن^۱ بزرگ مذهب او را در معبد ستاره‌ای اولدتاون تعمیم داد. این تاجگذاری دو سال پس از ورود ایگون و مدت‌ها بعد از اتمام و پیروزی در سه جنگ بزرگ فتح رخ داد. از این رو واضح است که عمده فتوحات ایگون در سال‌های ۱ تا ۲ ق ف، یعنی قبل از فتح، اتفاق افتاده است.

تارگرین‌ها از خون خالص والرایی بودند؛ تباری باستانی از اژدهاسالاران. دوازده سال پیش از نابودی والریا (سال ۱۱۴ ق ف)، اینار تارگرین تمام دارایی‌هایش را در فری هولد و سرزمین‌های بلندتابستان فروخت و با تمام همسران، ثروت، بردگان، اژدهایان، خواهران و برادران، اقوام و فرزندان^۲ش به سنگ‌اژدها نقل مکان کرد؛ ارگی بایر در جزیره‌ای، پای کوهی آتشین در دریای باریک.

والریا در دوران اوجش، بزرگ‌ترین شهر دنیای شناخته‌شده و مرکز تمدن بود. در بین دیوارهای درخشانش، چهل خاندان بر سر قدرت و مقام در دربار و انجمن رقابت داشتند و در تکاپویی وحشیانه، سرسختانه و بی‌پایان برای قلمرو از هم پیشی می‌گرفتند. تارگرین‌ها فاصله خیلی زیادی با قدرتمندترین اژدهاسالاران داشتند و رقبایشان فرار آن‌ها به سنگ‌اژدها را نشانی از تسلیم و بزدلی در نظر گرفتند. اما دینیس؛ دختر لرد اینار، که پس از آن برای همیشه به دینیس رؤیابین معروف شد، نابودی والریا را با آتش پیش‌بینی کرده بود و دوازده سال بعد، که این نابودی تحقق یافت، تارگرین‌ها تنها اژدهاسالارانی بودند که زنده ماندند.

سنگ‌اژدها به مدت دو قرن غربی‌ترین نقطه در دامنه قدرت والریا بود. موقعیتش در آن سوی گالت، به اربابانش امکان می‌داد خلیج آب‌سیاه را در چنگ داشته باشند و به این ترتیب تارگرین‌ها و متحدان نزدیکشان، یعنی ولاریون‌های دریافت‌مارک (یکی از خاندان‌های طبقات پایین‌تر والرایی تبار) توانستند خزانه‌هایشان را با کالاهای بازرگانی در حال گذر از خلیج پر کنند. کشتی‌های ولاریون به همراه دیگر متحد والرایی‌شان، سلیتگارهای جزیره کلاو، بر میانه دریای باریک تسلط داشتند و تارگرین‌ها هم با اژدهایانشان بر آسمان حکمرانی می‌کردند.

۱. Septon: سپتون‌ها کاهنان مرد خدای هفت‌چهره هستند. - م.